کار کمدی گران است!

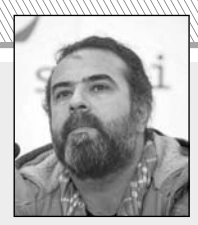

برزو نیک‌نژاد، کارگردان سینما و تلویزیون در ارتباط با ساخت آثار طنـــز در تلویزیون و تاثیر که در ایجاد حال خوب مردم دارد، گفت: ساخت آثار طنز و کمدی در تلویزیون قطعا باعث ایجاد حال خوب در مردم می‌شـــود، به همین دلیل اســـت که در سینما فیلم‌های کمدی بیشتر می‌فروشند. البته به این معنی نیست تمام فیلم‌های طنز حتما می‌فروشـــند و با اقبال مواجه می‌شوند اما معمولا مردم با ژانر کمدی بیشتر ارتباط برقرار می‌کنند. وی ادامه داد: فیلم‌های کمدی حرف روز جامعه را می‌زنند و یک سوپاپ تخلیه‌ای مناسبی برای گذراندن ساعات بدی که در روز گذراندیم، است. امروزه در زندگی مردم مشکلات عدیده‌ای وجود دارد و قطع به یقین آثار کمدی در حد مُسَکن می‌تواند در آن زمان ۴۵ دقیقه‌ای سریال و یا ۲ ساعت در سینما، کمی‌حال روحی مردم را بهبود بخشد. نیک‌نژاد با اشاره به فعالیت‌های تلویزیون در زمینه ساخت آثار کمدی بیان داشت: براســـاس اطلاعاتی که دارم، تلویزیون مجددا ساخت سریال‌های کمدی را در دســـتور کار خود قرار داده است. وی در مورد کاهش تولید آثار کمدی در تلویزیون اظهار داشت: کار کمدی گران است و متاسفانه خیلی از فیلمسازان نمی‌دانند این ژانر، بســـیار جدی و در عین حال گران هم است. در جهان، یک فیلمنامه طنز، از زمان نگارش تا برآورد تولید ارزان نیست. به گزارش برنا، این تهیه‌کننده ادامه داد: به‌طور مثال «دردسرهای عظیم» قصه جدی و عاشقانه‌ای همراه با رنگ‌آمیزی طنز دارد. داستان این سریال یک ملودرام عاشقانه است که برای شخصیت‌های آن، دردسرهای طنزآمیز به وجود می‌آید.

«کیارستمی و عصای گمشده» در اروگوئه

فیلم «کیارستمی و عصای گمشده» به کارگردانی محمودرضا ثانی و تهیه‌کنندگی بهروز نشان، برگزیده چهارمین دوره جشنواره فیلم‌های مستقل سالتو اروگوئه در امریکای جنوبی شد. به گزارش خبرآنلاین، جشنواره فیلم‌های مستقل سالتو اروگوئه که از ۲۲ تا ۲۶ مهرماه در کشور اروگوئه برگزار می‌شود میزبان این مستند بلند ایرانی است. این فیلم روایت تازه‌ای از برگزاری کارگاه آموزشی و آموزه‌های عباس کیارستمی در کشورهای اسپانیا و کلمبیا است.

اندر حکایت سخنان محمدرضا شفیعی کدکنی درباره دانشجویان

استاد بی بدیل

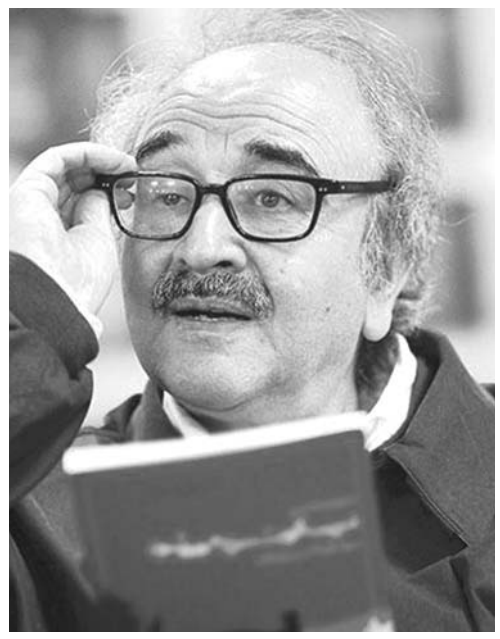

آفتاب یزد – یوســـف خاکیان: طی یکی دو روز گذشـــته ویدئوی تصویری کوتاهی در یکی از کانال‌های تگرامی‌دیدم که بســـیار جالب توجه و عبرت آموز بود. این ویدئو که گویا توســـط یکی از دانشـــجویان گرفته شـــده بـــود از لحظه ورود محمدرضا شفیعی کدکنی استاد رشته ادبیات به دانشگاه فیلمبرداری شده بود . کدکنی با آرامش خاصی در حالی که بســـیار آهسته قدم می‌زد و چند دانشـــجو هم با او همقدم شـــده بودند و یکی دو تا از آنها هم مشـــغول فیلمبرداری این لحظات بودند به ســـمت یکی از درهای ورودی دانشکده می‌رفت. دســـتش را به پشت کمرش گرفته بود و ســـرش را پایین انداخته و حرکت می‌کرد. تو گویی دانشجویان در حال همراهی گوهری گرانبها که آن را در میانه خود احاطه کرده اند، بودند. عنوان این کلیپ کوتـــاه جمله ای بود که یکی از دلایل مهم نوشتن این گزارش شد.

■ **فروتنی و افتادگی را در ۵۰ ثانیه ببینیم و فرا گیریم**

بیننده‌همراه‌باصحنه‌های‌کوتاه‌ورود‌استاد‌به‌دانشکده،صدای‌گوینده‌ای را نیـــز در بـــک گراند این ویدئوی تصویری می‌شـــنید. گوینده ای که کســـی نبود جز خود محمدرضا شـــفیعی کدکنی. اما استاد در صوتی که به نوعی همراه با ورود او به یکی از ورودی‌های دانشـــکده مونتاژ شده بود چه می‌گفت؟ جملاتی که محمدرضا شفیعی کدکنی در ویدئوی کوتاه مورد اشـــاره بر زبان می‌راند با آنکه کوتاه بودند و با آنکه در کلاس درس برای دانشجویان مطرح نمی‌شدند اما سرشار از درس‌های بزرگی برای زندگی تمام افراد یک جامعه بود. سخنانی که اگر نیک شـــنیده و جزء به جزءشـــان در لحظه لحظه زندگی به کار بســـته شوند بی شـــک جامعه کنونی ما اوضاعی این چنین نخواهد داشت. جامعه ای که قطعا با مدینه فاضله فاصله بسیار زیادی دارد اما گوش کردن و عمل کردن به ســـخنان این پیر علم ادبیات قطعا این فاصله را بسیار کوتاه خواهد کرد و زندگی همگان در شرایط بهتری قرار خواهد گرفت. ســـخنانی که در این ویدئوی ۵۰ ثانیه ای از زبان استاد پخش شد از این قرارند:

«بچه‌ها هیچ گناهی ندارند، بچه‌ها استعداد دارند، شوق دارند، بخدا من خجالت می‌کشم روزهای سه شنبه که می‌رم دانشکده، رو زمین می‌شینن، من حرفی ندارم، من واقعا آدمی‌نیستم، چیزی نیستم. از شهرستانهای اطراف با پنج ساعت، شیش ساعت سوار اتوبوس می‌شن میان اونجا رو زمین می‌شـــنن یه مزخرفی از زبان من در بیاد و اونها گوش کنن. این شـــوق و نیاز یادگیری در نسل جوان ما نه تنها کم نشده، قطعا افزوده شده. مشکل برنامه ریزی دولت‌ها و مسئولینه که اونها باید براشون اصل اول ایران باشه و نیست.ببخشید»

با آنکه عنوان کردیم مدت زمان این فایل ویدئویی ۵۰ ثانیه بیشـــتر نبـــود اما آنچه خواندید تنهـــا یک درس ۵۰ ثانیـــه ای نبود، حتی نمی‌توان این ســـخنان را به عنوان درسی که در مدت دو ساعت در یک کلاس تدریس می‌شـــود قلمداد کرد، این سخنان از آنچه یک دانشـــجو می‌تواند در یک ترم آموزشی در دانشگاه بیاموزد هم فراتر بود و اگر مدعی شویم چهار خطی که از اظهارات محمدرضا شفیعی کدکنی پیشـــتر خواندید به اندازه تمام تدریسی که توسط استادید مختلف یک دانشگاه در طول یک سال تحصیلی به دانشجویان عرضه می‌شـــود هم فراتر بود سخنی به گزافه نگفته ایم. خوب به یاد دارم در زمان تحصیل در دانشکده؛ استادی زبان و ادبیات فارسی تدریس می‌کرد. اســـتادی که همیشه کلاســـهایش پر از دانشجو بود . یکی از روزهـــا زمانـــی که ما در کلاس ریاضی بودیم و اســـتاد تخته را با فرمول‌های مختلف ریاضی پر کرده بود به یکباره دســـت از تدریس برداشت و رو به کلاس کرد و گفت: بچه‌ها می‌دونید بزرگترین آرزوی من تحصیلی من چیه؟ بچه‌ها با شانه بالا انداختن اظهار بی اطلاعی کردند و گفتند نمی‌دونیم. اســـتاد گفت: آرزوم اینه که یه روز کلاس من تشـــکیل نشه و من این فرصت رو داشته باشم که به عنوان یک دانشجو برم و سر کلاس اســـتاد جامعی که تو این دانشکده ادبیات میان صندلی‌های سالن جایی برای نشستن پیدا نمی‌شـــود با نهایت خضوع وفروتنی در گوشه پله ای از پله‌های سالن که در واقع محل عبور مدعوین بود با لبی خندان نشست و منتظر ماند تا مراسم آغاز شود. این اتفاق نامبارک در حالی رخ داد که بیشتر صندلی‌های سالن مذکور را افرادی که هیچ ارتباطی با موضوع مراسم نداشتند پرکرده بودند و اسفناکتر اینکه جز عده ای قلیل هیچ کس متوجه نشـــد که پیرمردی که روی پله‌ها نشسته اســـتاد بی چون و چرای ادبیات معاصر سرزمینمان است. مردی که به قول خودش دانشجویان در کلاسهایش روی زمین می‌نشـــینند تا از او درس بیاموزند. شاید بیراه نباشـــد اگر مدعی شـــویم در تصویری که از همین صحنه در صفحات مجازی و ســـایت‌های مختلف منتشر شد این تنها شفیعی کدکنـــی بود که با آن لبخند جاودانـــه اش در میان تمام افرادی که در ســـالن حضور داشتند برق می‌زد. همان زمان هنگامی‌که تصویر استاد منتشر شد بسیاری از کاربران شبکه‌های مجازی ضمن آرزوی سلامتی برای شفیعی کدکنی با افتخار این عکس را در صفحات خود منتشـــر کردند و او را نماد بزرگ مردی، فروتنی و تواضع دانستند. همچنین آنها اظهار تأسف کردند از این که استاد شعر و ادب، باید بر روی زمین بنشیند و برخی او را نشناسند در حالی که همان جماعت از سلبریتی‌های سینما اســـتقبال ویژه می‌کنند اما در مقابل استاد بلامنازع ادبیات هیچ عکس العملی نشـــان نمی‌دهند. موضوعی که کاربران اینترنتی علت و ریشه را در فقر فرهنگی دانستند و با انتشار هشتگ‌های مختلفی به این موضوع اعتراض کردند.

اگر بخواهیم باز هم درباره محمدرضا شفیعی کدکنی سخن بگوییم به یاد می‌آوریم او همان کسی است که در روز سه‌شنبه یازدهم دی‌ماه ۱۳۹۷ از ورودش در دانشـــگاه با وجود حضور دانشجویان در کلاس درس به دلایل مختلفی که یکی از آنها همراه نداشتن کارت پرسنلی بود ممانعت به عمل آمد.

بی شـــک تنها برای پرداختن به بخش کوچکی از شـــخصیت این اســـتاد ممتاز ادبیات باید به مسائل بیشتری از آنچه در این گزارش به آن اشاره شـــد پرداخته شود. مسائلی که دانستن هر کدام از آنها دریچه‌های جدیدی از چگونه اندیشیدن محمدرضا شفیعی کدکنی را به روی ما باز می‌کند و ما با باز شدن این دریچه‌ها تنها با اندیشه‌های این استاد آشنا نمی‌شویم که در نگاهی وسیع تر با شیوه‌های درست و انســـانی چگونه زیستن آشنا می‌شویم و در می‌یابیم آنچه تا کنون انجام داده ایم و نامش را زندگی گذاشتیم در واقع زندگی نبوده است.

در جامعـــه ای که ناهنجاری فردی و اجتماعـــی فراوانی در آن موج می‌زند کدکنی وار زندگی کردن همه اقشـــار به منزله این است که تلاش کنیم میزان تواضع و فروتنی و انســـان گونه زیستن به صورت تصاعدی تا حدی بالا ببریم که دیگر در میانمان خبری از پلشتی‌ها نباشـــد. چه خوش سروده است اســـتاد حال و روز جامعه امروز ما را آنجا که می‌گوید:

«به کجا چنین شتابان؟»
گَوَن از نسیم پرسید
«دلِ من گرفته زینجا
هوس سفر نداری
ز غبار این بیابان؟»
«همه آرزویم، اما
چه کنم که بسته پایم...»
«به کجا چنین شتابان؟»
«به هر آن کجا که باشد به جز این سرا سرایم»
«سفرت به خیر! اما، تو و دوستی، خدا را
چو ازین کویرِ وحشت به سلامتی گذشتی
به شکوفه‌ها به باران
برسان سلامِ ما را»

*** بی شک تنها برای پرداختن به بخش کوچکی از شخصیت این استاد ممتاز ادبیات باید به مسائل بیشتری از آنچه در این گزارش به آن اشاره شد پرداخته شود. مســـائلی که دانستن هر کدام از آنها دریچه‌های جدیدی از چگونه اندیشـــیدن محمدرضا شفیعی کدکنی را به روی ما باز می‌کند و ما با باز شدن این دریچه‌ها تنها با اندیشه‌های این استاد آشنا نمی‌شویم که در نگاهی وسیع تر با شیوه‌های درست و انسانی چگونه زیستن آشنا می‌شـــویم درمی‌یابیم آنچه تاکنون آن را انجام داده ایم و نامش را زندگی گذاشـــتیم در واقع زندگی‌نیست**

درس می‌ده بشـــینم و ازش چیز یاد بگیرم. قدر این استاد رو بدونید. استاد جامعی تو کلاسش ادبیات درس نمیده. اون تو کلاسش زندگی رو آموزش می‌ده. اگر حتی کلاسی با اون ندارید به عنوان مهمان هر چند وقت یه بار ســـر کلاسش برید تا با زوایای پنهانی از زندگی که هیچ وقت باهاشون روبرو نشدید آشنا بشید.»

■ **محمدرضا شفیعی کدکنی کیست؟**

اصلا بنا نداریم که مانند گزارش‌های روتینی که در بخشـــی از آن به معرفی شخصیتی که محور اصلی موضوع گزارش را تشکیل می‌دهد، بپردازیم. بنابراین به پرسشی که در این بخش از گزارش مطرح شد به شیوه دیگری پاسخ می‌دهیم.

محمدرضا شفیعی کدکنی همان استادی است که چندی پیش برای حضور در مراسم تجلیل از استاد فرزانه دکتر موحد در تالار فردوسی دانشکده ادبیات دانشگاه تهران دعوت شد و زمانی که متوجه شد در

گرافیک

آنچه در رویداد هفت رنگ اتفاق افتاد

نهال نحیف موشن گرافیک پا گرفت

آفتاب یزد- گروه فرهنگی: هفته گذشته رویـــداد هفـــت رنگ با کمـــک جمعی از فعالین این حوزه، انجمن طراحان گرافیک شهر تهران و دانشگاه سوره برگزار شد که اســـتقبال از آن بیش از حد انتظار بود. در تمام طول هفته گذشته صندلی‌های سالن سینما دانشگاه سوره مدام پر و خالی می‌شد علاقه مندان زیادی برای آموزش و یادگیری به آنجا می‌آمدند. مسئولان برگزاری بر این باورند که رویـــداد به اهدافی که داشـــت رسیده‌است‌واین‌موضوع‌آغازراه‌پرفرازونشیبی اســـت که طراحـــان گرافیـــک متحرک شـــهر تهران در پیش دارند. مجید یوسف زاده مدیـــر بخش تعرفه انجمن موشـــن گرافیک در گفت و گو با آفتاب یزد در رابطه بـــا این موضوع گفت: «بـــه نظرم به عنوان اولین دوره برگزاری یک رویداد پژوهشی و آموزشی هنری، برنامه‌های متعدد کارگاهی کاربردی کنار هم تدوین شده بود که هم در برگـــزاری از کیفیت قابل توجهی برخوردار بود و هم تجربیات ارزشمندی به اشتراک گذاشته شـــد .» او در رابطه با این موضوع که چه بخش‌هایی در این جشـــنواره مورد توجـــه قرار گرفـــت، گفت: «همنشـــینی کارگاه‌هـــای تخصصـــی تجربـــی در کنار قســـمتهای پژوهشـــی آکادمیـــک بخش قابل توجه این رویداد بود. کمتر چنین اتفاقی در رویدادهای هنری اتفاق افتاده که بخش هنری و فنی از دریچه تجربی و آکادمیک به این اندازه دوشـــادوش هم حرکت کنند و همپوشانی اینچنینی داشته باشند نه در تقابل.» یوسف زاده در رابطه با اهداف رویداد هفـــت رنگ و اینکه آیا به این اهداف جامه عمل پوشیده شـــد یا خیر گفت: «نه تنها جشنواره از دستاوردش خوشنود است بلکه اثری که بر جامعه جوان دانشجو گذاشته، آینده این رشـــته را به صنعتی توانمند در کشور بدل خواهد کرد» دکتر کیارش زندی رئیس هیئت علمی‌انیمیشن دانشگاه سوره و عضو سیاستگذاری رویداد هفت رنگ نیز در این خصوص گفت: «رویداد هفت رنگ در اصل یک جشـــنواره نبـــود، یک هفته آموزشی و پژوهشی بود که برای اولین بار با همت معاونت فرهنگی دانشـــگاه سوره و همکاری انمجن طراحی گرافیک متحرک برگزار شـــد. این رویداد به مدت شش روز، با کارگاه‌ها و ورکشـــاپ‌های مختلف برگزار شد. اســـتقبال از این رویداد از حد انتظار ما بیشـــتر بود به این دلیل که در خیلی از کارگاهها شرکت کنندگان مجبور بودند که ایستاده تماشاگر باشند چرا که صندلی‌ها به طور کامل از جمعیت پر شده بود. در طول کارگاه‌ها مباحث گوناگونی از شـــاخه‌های مختلف رشته موشن گرافیک بررسی شد و در کنـــار آن در بخش‌های متعدد تولید و پژوهش از مقاله و گزارش کار و رســـاله دانشجویی گرفته تا موشن لوگو و دمورید، کارهایی به داوری گذاشـــته شد یعنی در کنار بخش آموزشی و پژوهشی یک بخش فرهنگی فعال و مســـابقه هم وجود داشت کـــه همه اینها به نظر مـــن از حد انتظار و پیش بینی بالاتر رفت و نقطه آغاز بســـیار قدرتمندی را رقـــم زد.» او در ادامه تاکید کرد: «امیدواریم در ادامه این راه این جریان را تبدیل به یک پایگاه علمی‌تر و آکادمیک کنیم و سرفصل دروسی که لازم است برای آن تبیین شـــود تا در مقطع کارشناسی به یک رشته دانشگاهی تبدیل شود. طبیعتا ایـــن همه آرزوهای ما نیســـت چرا که این ابتدای راه اســـت؛ بدون شک کاستی‌هایی وجود داشـــته اما به جوان بودن این رشته باید آن را بخشـــید چرا که موشن گرافیک در کل دنیا رشـــته جوانی است و پیش از این در خانواده انیمیشـــن جوانه زده، ســـر بر کشـــیده و رشـــد کرده اســـت و تقریبا می‌توانیم بگوییم قواعد انیمیشـــنی راه را برای گرافیک متحرک بـــاز کرده تا جایی که عنوان بندی‌های سینمایی تبدیل شد به موشـــن گرافیک‌های تبلیغاتی. این در حقیقت فیلدی از انیمیشن است که امروزه می‌خواهد مســـتقل به راه خـــودش ادامه دهد و ایـــن جوانه رشـــدکرده و این نهال امروز می‌رود که به یک درخت پربار تبدیل شود و خود رشته‌هایی را تعریف کند. این کودکی کـــه حالا به دوران آموزشـــی اش رسیده نیاز دارد به اینکه بستر آموزشی اش فراهم شـــود و این یکـــی از وظایف ما در دانشگاه‌ها است.»

رویداد هنری

مهدی جعفری درگذشت

مهـــدی جعفـــری، طـــراح صحنه ســـریال «خـــواب‌زده» درگذشـــت. الهـــام غفوری، تهیه‌کننده سریال «خواب‌زده» با تایید خبر درگذشت مهدی جعفری (طراح صحنه) این مجموعه، درباره حادثه رخ داده در صحنه این ســـریال که سبب این اتفاق شده گفت: همه چیز در شرایط عادی اتفاق افتاده و دشمنی در کار نبوده است. البته اکنون در حال ارزیابی و کارشناسی این موضوع هستیم و پیگیریم که دلیل این اتفاق را متوجه شویم. به محض اطلاع از این موضـــوع آن را اعلام می‌کنیم. وی درباره وضعیت بیمه مهدی جعفری بیان کرد: ایشان بیمه بودند و قطعا مسائل آن در حال پیگیری است ولی اکنون مسئله من این موارد نیست. این بچه فوت کرد و همه از این موضوع ناراحتیم. اکنون در تلاشیم تا کارهای تشییع او آبرومند انجام شود. این تهیه‌کننده درباره زمان تشـــییع مهـــدی جعفری اظهار داشـــت: به احتمال قوی روز دوشنبه (امروز) مراسم تشییع را برگزار می‌کنیم. به گزارش ایلنا، روز شـــنبه ۲۰ مهر ماه، مهدی جعفری طراح صحنه تلویزیون به دلیل آتش ســـوزی در محل تصویربرداری سریال شبکه خانگی «خواب زده» دچار ۸۵ درصد سوختگی شد.

«صفر تا سکو» در میلان

مستند «صفر تا ســـکو» به کارگردانی سحر مصیبـــی و تهیه‌کنندگی مهتـــاب کرامتی و طهورا ابوالقاســـمی‌در بخش مســـابقه سی و هفتمین جشـــنواره جهانی فیلم‌های ورزشی میلان نمایش داده می‌شود. این مستند فیلم برگزیده دوره پیشین جشـــنواره بین‌المللی فیلم‌های ورزشـــی ایـــران اســـت. «صفر تا سکو» که درباره زندگی خواهران منصوریان، قهرمانان ووشوی ایران است، در آخرین حضور جهانی خود جایزه بهترین فیلم اول جشنواره «ریندنس» لندن را کسب کرد و پیش از این در جشـــنواره‌های متعـــدد داخلی و خارجی جوایزی را کسب کرده است. به گزارش ایسنا، سی و هفتمین جشـــنواره جهانی فیلم‌های ورزشی ۲۵ تا ۳۰ اکتبر ۲۰۱۹، (۳ تا ۸ آبان ۹۸) در شهر میلان ایتالیا برگزار می‌شود.

«بیگاه» می‌آید

مراحـــل فنی فیلم ســـینمایی «بیـــگاه» به کارگردانـــی پویا اشـــتهاردی و تهیه‌کنندگی محمد ســـجادیان، طی چند روز گذشـــته به پایان رسید تا فیلم آماده حضور در اکران گروه «هنر و تجربه» شـــود. «بیگاه» که زمســـتان ۱۳۹۶ مقابـــل دوربیـــن رضا حماســـی رفته است، نخستین فیلم بلند پویا اشتهاردی بعد از فیلم‌های کوتاه «قهوه و درخت»، «آسمان»، «پنجره» و «درخت آبی» است. به گزارش مهر، «بیگاه» داستان سربازی بلوچ است که شیفت نگهبانی و عروســـی خواهرش همزمان شده و برای گرفتن مرخصی دچار چالش می‌شود.

غفوریان در «اعجوبه‌ها»

برنامه «اعجوبه‌ها» با اجرای مهران غفوریان به کنداکتور شبکه سه اضافه خواهد شد. به گزارش مهر، همزمان با شروع ماه ربیع‌الاول برنامه سرگرم‌کننده شبانگاهی «اعجوبه‌ها» بـــه تهیه‌کنندگـــی ســـروش گل‌محمدی و کارگردانی احســـان عبدی‌پـــور به کنداکتور شـــبکه ســـه اضافه می‌شـــود. این برنامه در راستای نشـــان دادن توانمندی‌های کودکان و نوجوانان با اجـــرای مهران غفوریان پخش خواهد شـــد. به گزارش مهر، تیزر اعجوبه‌ها از شبکه سوم ســـیما در حال پخش است و قرار است به‌زودی شرایط ثبت‌نام برای حضور شرکت کنندگان در این برنامه اعلام شود.

آنجلینا جولی:

زنان از مردان اطرافشان بیاموزند

آنجلینا جولی در مراســـم اکران فیلم «مالفیســـنت: معشوقه شـــیطان» درباره نقش‌هایی که در ســـینما برای زنان نوشته می‌شود گفت: «اغلب وقتی قرار است در فیلمی‌بگوییم «این زن قدرتمند اســـت»، او باید مردان را در مبارزه شکست دهد. باید مثل مردها باشد یا باید او را بی‌نیاز از مردها به تصویر بکشیم.» در فیلم «مالفیســـنت» نقش‌های اصلی را آنجلینا جولی و ال فنینگ بازی می‌کنند. او با اشاره به این دو نقش در فیلم گفت: «هر دو نفـــر از مردها می‌آموزند، به مردها نیاز دارند و آن‌ها را دوســـت دارند. به نظر من این پیام مهمی‌برای دختران جوان دارد. توانایی خودشـــان را پیدا کنند در عین حال به مردهای اطرافشـــان احترام بگذارنـــد و از آن‌ها بیاموزنـــد.» به گزارش خبرآنلاین، جولی می‌گوید: «ما در فیلم زنان نیرومند و متنوعی را نمایش می‌دهیـــم در عین حال مردان خارق‌العاده‌ای هم در فیلم هستند و من واقعا دوست دارم روی این نکته تاکید کنم.»

حبیب اسماعیلی:

گیشه سینماها گرم می‌شود

حبیب اســـماعیلی مدیر شرکت پخش «فیلمســـازان مولود» پیش‌بینی کرد که وضعیت گیشـــه ســـینماها در آبان‌ماه بهتر می‌شـــود. حبیب اسماعیلی مدیر شرکت فیلمسازان مولود که مســـئولیت پخش فیلم ســـینمایی «درخونگاه» به کارگردانی ســـیاوش اســـعدی را دارد، درباره فروش این فیلم گفت: ما از فروش فیلم سینمایی «درخونگاه» راضی هستیم چراکه فروش این فیلم سیر صعودی دارد. به گزارش مهر، اسماعیلی با اشاره به چیدمان نادرســـت اکران اظهار کرد: برنامه‌ریزی برای اکران فیلم‌ها غلط اســـت به طوری که ما در ابتدای ســـال و در عید فطر دیدیم که چند فیلم پرفروش به یکباره اکران شـــدند. این کار باعث می‌شـــود آن فیلم‌ها هم به فروش واقعی خود نرسند ضمن اینکه این کار به سینماداران ضرر می‌رساند چون گیشه را از دست می‌دهند. البته مشکلات پروانه نمایش برخی از فیلم‌ها حل شده و به نظرم گیشه سینما در آبان ماه گرم می‌شود.

الهام پاوه‌نژاد:

همه چیز را با پول نسنجیم

الهام پاوه‌نژاد با اشـــاره به دغدغه‌ای که نســـبت به مشـــکلات اجتماعی مردم دارد، گفت: همیشه سعی کردم از اعتبار و جایگاه اجتماعی‌ام برای مردم هزینه کنم نه دســـتمزد و درآمدی که دارم. الهام پاوه‌نژاد، با اشاره به دغدغه‌های اجتماعی که در فضای مجازی دارد، گفت: همیشه مشکلات مردم و اتفاقات اقتصادی، فرهنگی و... که در جامعه رخ می‌دهد، دغدغه‌ام بوده و ســـعی داشـــتم از موقعیت و جایگاه خود برای اطلاع رســـانی و کمک کردن استفاده کنم. مثل زلزله کرمانشاه که همه دست به دست هم دادیم تا بیشـــترین کمک را به مردم زلزله‌زده این مناطق برســـانیم که البته فحش‌ها و حرف‌های زیادی هم شنیدیم و تاوان کار خوب‌مان را دادیم. به گزارش برنا، وی ادامه داد: اعتبار یک بازیگر ارزش معنوی دارد و نباید همه چیز را با پول سنجید. من همیشه سعی کردم از اعتبار و جایگاه اجتماعی‌ام برای مردم هزینه کنم نه دستمزد و درآمدی که دارم.

برنده نوبل ادبیات:

سیاسی نیستم

اولگا توکارچوک نویسنده، روانشناس و کنشگر ۵۷ ساله لهستانی پنجشنبه گذشـــته ۱۸ مهر به عنوان برنده جایزه نوبل ادبیات در سال ۲۰۱۸ انتخاب شد، زیرا آکادمی‌سوئد که مسئول برنده جایزه نوبل ادبیات اســـت در سال گذشـــته به دلیل رسوایی‌های مالی و جنســـی فردی را به عنوان برنده انتخاب و معرفی نکرد و امســـال برنـــده ســـال‌های ۲۰۱۸ و ۲۰۱۹ را همزمان انتخاب کرد. وی که پیش از این برنده جایزه من بوکر بین المللی در سال گذشته برای رمان پروازها شده بود، با کسب عنوان برنده جایزه نوبل پانزدهمین زنی است که این عنوان را از ابتدای اعطای آن در سال ۱۹۰۱ و بعد از اعطای ۱۱۰ جایزه نوبل ادبیات کســـب کرده است. توکارچوک در مورد کتاب‌هایش گفت: کتاب‌های من سیاســـی نیستند و من درخواســـت‌های سیاســـی ندارم. کتاب‌های من زندگی را توصیف می‌کنند، اما وقتی به زندگی بشـــری می‌نگریم؛ سیاست در همه ابعاد آن ریشـــه دوانده است. کتاب استخوان‌های مردگان را شخم بزن (۲۰۱۸) در واقع داســـتان وادادگی زنی ســـالمند اســـت که کتاب می‌نویســـم تا ذهن خوانندگان را باز کنم، تا چشم‌اندازهای جدیـــد را در برابر آنها بگشـــایم، تا به آنها بفهمانم آنچه بســـیار واضح می‌پندارند خیلی واضح نیست، اینکه می‌توان یک موقعیت کم‌اهمیت را از زاویه دید متفاوتی دید و ناگهان معانی دیگری را در سطوح جدیدی برای آن کشف کرد. به گزارش ایسنا، وی با پذیرش اینکه کتاب‌هایش برای همه نوع ســـلیقه ای مناسب نیست گفت: خواندن و لذت بردن از این آثار بستگی به سلیقه ادبی، عادت‌های خاص و روحیه هر فرد بســـتگی دارد و قطعـــا از همه نمی‌خواهم آثار مرا بخوانند. اما اینها سوالات یک نویسنده نیستند، بهتر است پاپ یا فلاسفه به این سوالات پاسخ دهند. من داستان می‌گویم و سعی می‌کنم این کار را به شکل صادقانه ای انجام دهم تا مردم به آن علاقه نشـــان داده و از آن لذت ببرند، اما از همه اینها گذشته؛ دنیای داستان و ادبیات داستانی اذهان مردم را توسعه داده، آنها را جست و جو گر می‌کند و وامی‌دارد در مورد رویدادهایی که تاکنون عادی تصور می‌کرده اند، شک کنند.

نمی‌تواند کشتن حیوانات را تحمل کند و به طرزی ناگهانی در روند جدید رویدادها در لهستان، کتاب به شدت سیاسی تلقی می‌شود. من چنین قصدی نداشـــتم و نمی‌خواســـتم کتاب سیاسی باشد.